

سبحان الله العظيم

تو با خدای خویش در انداز کار و دل خوش دار



دانشکده ی معماری و شهرسازی

پایان نامه

جهت اخذ درجه ی کارشناسی ارشد
معماری اسلامی

عنوان:

طراحی مجموعه فرهنگی سینمایی (فضای باز، فضای بسته - سینمای باز، سینمای بسته)
با رویکرد ایجاد حس تعلق به مکان

نگارش / پژوهشگر:

شهرپر اسمعیلی

اساتید راهنما:

دکتر کریم مردمی - دکتر پریسا هاشم پور

چکیده:

مکان تنها یک سر پناه برای فعالیتهای انسان نیست، بلکه پدیده ای است که انسان در تعامل خود با آن، بدان معنا بخشیده و به آن دلبسته می شود تا آنجا که گاه حتی خود را جزئی از آن دانسته و به وسیله ی آن بازشناخته می شود. اگر از زاویه ی نیازهای انسان نیز به این مسئله نگریسته شود، نیاز انسان به تعامل عاطفی با مکان و احساس تعلق داشتن به آن از جمله ی مهمترین ابعاد رابطه انسان و مکان به شمار می رود که باید مورد توجه معماران، طراحان و برنامه ریزان شهری قرار گیرد. با توجه به اهمیت شناخت "حس تعلق به مکان" در طراحی فضاها، هدف این پژوهش مطالعه نقش طراح و عوامل تأثیر گذار کالبدی و غیر کالبدی در ایجاد این حس و در پی آن ارتقاء کیفیات مکانهای طراحی شده با کاربری فرهنگی تفریحی است. در این راستا پژوهش حاضر سعی دارد برپایه ی متون و اسناد مرتبط در این حوزه، ضمن ارائه تعاریف حس تعلق، به بررسی ابعاد مختلف آن و نیز طبقه بندی علل و عوامل دخیل در آن بپردازد. بنا به ماهیت حس تعلق و ارتباط مستقیم آن با شکل گیری پایه های ارتباطی استفاده کنندگان و محیط، بخشی از ساختار این پژوهش متأثر از جنبه های انسانی برآمده از حوزه های روانشناسی است و بخش دیگر مطالعه برخاسته از حوزه های معماری و محیط و تأثیرات آن بر احساس و ادراک افراد است. نتایج مطالعات حاکی از آن است که حس تعلق از معیارهای اصلی ارزیابی محیطهای با کیفیت است و ویژگیهای کالبدی نظیر فرم و روابط اجزاء کالبدی با تأمین و تأکید بر فعالیتهای تعاملات جمعی، نقش مهم و مؤثری در ایجاد این حس دارا می باشند. بر این اساس، تحقیق حاضر تلاش میکند با در نظر گرفتن ویژگیهای کالبدی تأثیر گذار و توجه به پتانسیلهای موجود در بستر طراحی، اعم از کیفیات محیطی و بصری، زمینه ارتقاء کیفیت محیط ساخته شده، ترغیب شهروندان به حضور و تمایل به بازگشت به فضا و تقویت حس تعلق به مکان را فراهم آورد.

واژه های کلیدی: حس تعلق، تعلق کالبدی، تعلق جمعی، فضای باز و بسته، اجتماعات فرهنگی

فصل اول: کلیات تحقیق

۱-۱- مقدمه	۱
۱-۲- طرح مسئله	۲
۱-۳- سؤالات تحقیق	۲
۱-۴- فرضیه تحقیق	۳
۱-۵- ضرورت تحقیق	۳
۱-۶- هدف تحقیق	۴
۱-۷- پیشینه تحقیق	۴
۱-۸- روش تحقیق	۵

فصل دوم: پدیده مکان

۱-۲- مقدمه	۸
۲-۲- بخش اول: فضا در معماری	۹
۲-۲-۲- انواع فضا	۱۰
۲-۲-۱- فضای ریاضی و فضای ادراکی	۱۰

- ۱۰ ۲-۲-۲-۲-فضای روز و فضای شب
- ۱۱ ۳-۲-۲-۲-فضای عمومی و فضای خصوصی
- ۱۱ ۳-۲-۲-ساز و کارهای ادراک فضا
- ۱۲ ۱-۳-۲-۲-احساس و ادراک
- ۱۳ ۲-۳-۲-۲-شناخت
- ۱۳ ۳-۳-۲-۲-اندازه و فاصله
- ۱۴ ۴-۳-۲-۲-مقیاس
- ۱۵ ۵-۳-۲-۲-پس زمینه و پیش زمینه
- ۱۵ ۶-۳-۲-۲-تقارن
- ۱۶ ۷-۳-۲-۲-معنی
- ۱۶ ۴-۲-۲-عوامل مؤثر بر ادراک و تصمیم گیری کاربران فضا
- ۱۷ ۱-۴-۲-۲-نقطه کانونی برای کمک به تصمیم گیریهای انسان
- ۱۷ ۲-۴-۲-۲-تطبیق با فضا و تطبیق با چشم خود
- ۱۸ ۳-۲-بخش دوم : مکان
- ۱۸ ۱-۳-۲-تعاریف مکان
- ۲۰ ۲-۳-۲-رویکرد پدیدارشناسانه
- ۲۱ ۳-۳-۲-مکان در نظریات نوربرگ شولتز
- ۲۲ ۱-۳-۳-۲-گونه شناسی مکان از دیدگاه نوربرگ شولتز

- ۲۲-۳-۳-۲- ریخت شناسی و عوامل تعریف کننده فضا, از دیدگاه نوربرگ شولتز..... ۲۲
- ۲۲-۳-۳-۳-۲-۱- ریخت شناسی, فضا و دیالمتیک درون و بیرون..... ۲۲
- ۲۳-۳-۳-۲-۲- ریخت شناسی و کارکتر مکان از دیدگاه نوربرگ شولتز..... ۲۳
- ۲-۳-۴- انتقادات به رویکرد پدیدار شناسانه..... ۲۴
- ۲-۳-۵- رویکرد انتقادی..... ۲۵
- ۲-۳-۶- رویکرد اثباتی..... ۲۶
- ۲-۳-۷- مکان و مفهوم درون و بیرون..... ۲۶
- ۲-۳-۸- مکان و موضع شناسی..... ۲۹
- ۲-۳-۹- یک ساختمان شخصیت خود را چگونه معرفی می کند؟..... ۳۰
- ۲-۳-۱۰- کاربرد مکان..... ۳۱
- ۲-۳-۱۱- مکان و مؤلفه های سه گانه خلق آن..... ۳۲
- ۲-۴-۱- بخش سوم : حس مکان..... ۳۴
- ۲-۴-۱-۱- حس مکان از دیدگاه پدیدار شناسی..... ۳۷
- ۲-۴-۲- حس مکان از دیدگاه روانشناسی محیطی..... ۳۸
- ۲-۴-۳- فضا, مکان و احساس هویت..... ۳۹
- ۲-۵-۱- بخش چهارم : حس تعلق..... ۴۱
- ۲-۵-۱-۱- حس تعلق از دیدگاه معرفت شناسی..... ۴۱
- ۲-۵-۱-۱-۱- حس تعلق از دیدگاه پدیدار شناسی..... ۴۱

- ۲-۱-۵-۲- حس تعلق از دیدگاه روانشناسی محیطی ۴۲
- ۲-۵-۲- رویکرد هستی شناسی به حس تعلق ۴۴
- ۲-۵-۳- ابعاد مختلف حس تعلق ۴۵
- ۲-۵-۳-۱- تعلق اجتماعی ۴۶
- ۲-۵-۳-۱-۱- تعامل اجتماعی و حس تعلق ۴۶
- ۲-۵-۳-۱-۲- انگیزش و تعامل اجتماعی ۴۷
- ۲-۵-۳-۱-۳- نظام اجتماعی ۴۹
- ۲-۵-۳-۲- تعلق کالبدی به مکان ۵۰
- ۲-۵-۴- سطوح مختلف حس تعلق به مکان ۵۰
- ۲-۵-۵- عوامل شکل دهنده حس تعلق ۵۱
- ۲-۵-۵-۱- عوامل ادراکی - شناختی ۵۱
- ۲-۵-۵-۲- عوامل اجتماعی ۵۱
- ۲-۵-۵-۳- عوامل محیطی - کالبدی ۵۲
- ۲-۶-۱- بخش پنجم : محیط و مکان ۵۳
- ۲-۶-۱- ماهیت محیط ۵۳
- ۲-۶-۲- اثر محیط ۵۴
- ۲-۶-۳- روانشناسی محیط ۵۵
- ۲-۶-۴- قابلیت‌های محیط ۵۷

- ۵۷ ۵-۶-۲- ادراک قابلیت‌های محیط
- ۵۷ ۶-۶-۲- محیط ساخته شده و قابلیت‌های آن
- ۶۰ ۷-۶-۲- رابطه فرد و محیط ساخته شده
- ۶۱ ۸-۶-۲- طبقه بندی محیط
- ۶۱ ۱-۸-۶-۲- محیط زمینی یا جغرافیایی
- ۶۲ ۲-۸-۶-۲- محیط زنده
- ۶۲ ۳-۸-۶-۲- محیط فرهنگی
- ۶۳ ۹-۶-۲- قرارگاه رفتاری و تفریحی
- ۶۵ ۷-۲- جمع بندی

فصل سوم : بررسی نمونه های موجود

- ۶۸ ۱-۳- مرکز فرهنگی پلسن, نروژ
- ۷۲ ۲-۳- اپرای ملی اسلو, نروژ
- ۷۵ ۳-۳- مرکز فرهنگی - هنری نوتن
- ۷۸ ۴-۳- مرکز فرهنگی - هنری تای چانگ, کره جنوبی
- ۸۲ ۵-۳- جمع بندی

فصل چهارم : معرفی سایت و دلایل انتخاب

- ۸۵ ۱-۴- موقعیت و مساحت استان همدان
- ۸۵ ۲-۴- پستی و بلندی و تأثیر آن بر آب و هوا

- ۳-۴-مشخصات اقلیمی استان ۸۶
- ۱-۳-۴-دما ۸۶
- ۲-۳-۴-بارندگی ۸۷
- ۳-۳-۴-انواع بادها ۸۷
- ۴-۳-۴-رطوبت ۸۷
- ۵-۳-۴-تابش خورشید ۸۸
- ۴-۴-دلایل انتخاب سایت ۸۸
- ۱-۴-۴-قابلیتهای محیط و بستر طرح ۸۸
- ۲-۴-۴-تغییر سطح ۹۰
- ۳-۴-۴-بالای سطح مرجع ۹۱
- ۴-۴-۴-بی واسطگی, بی درنگی (تماس مستقیم) ۹۱
- ۵-۴-۴-آشکار بودن, نمایانی ۹۲
- ۵-۴-معرفی سایت ۹۳
- ۶-۴-برنامه فیزیکی طرح ۹۶
- ۷-۴-نتیجه گیری ۹۸
- فصل پنجم: اصول و مبانی طرح و نقشه های معماری ۱۰۰
- فهرست منابع و مآخذ ۱۱۴

چکیده انگلیسی

فهرست تصاویر

صفحه	عنوان
۱۹	تصویر ۱-۲- مکان: عرصه تجربه درونی و بیرونی, آتشکده نیاسر, کاشان. مأخذ: fa.wikipedia
۲۳	تصویر ۲-۲- فضای بسته انسان ساخت, حتی در ساده ترین نوع, محیط را به دو بخش این جا و آنجا تقسیم می کند مأخذ: Mehr.ir
۲۸	تصویر ۲-۳- نیاز به منظره, فقط موضوعی فیزیکی برای تأمین نور و تهویه هوا نیست, برج دوهه, قطر مأخذ: oaks.nvg.org
۳۰	تصویر ۲-۴- "جا", همواره درونی است حتی اگر در فضای باز به تصویر درآید, مسجد بیابانی, صحرای جیبوتی, آفریقا مأخذ: oaks.nvg.org
۳۵	تصویر ۲-۵- فضاها, هستی خود را از مکانها به دست می آوردند, یک خانه روستایی
	تصویر ۲-۶- فضا, بخش مهمی از چیزی است که آنرا بستر رفتار می نامیم, مرکز فرهنگی, plassen, archdaily.com
۶۷	مأخذ
۶۹	تصویر ۳-۱- تغییر سطح, (کالن, ۱۳۷۷: ۱۷۵).
۷۳	تصویر ۳-۴- بی واسطگی, بی درنگی: رابطه مستقیم تماس بصری میان انسان و محیط
۸۱	تصویر ۳-۷- بالا بودن, شادی, فرماندهی, در ملأ بودن
۸۶	تصویر ۴-۱- نقشه توپوگرافی همدان (مأخذ: fa.wikipedia)
۹۰	تصویر ۴-۲- دید از سایت به مناظر اطراف, همدان, تپه مصلی (سایت پروژه, عکس از نگارنده)
۹۱	تصویر ۴-۳- راه رسش به بنا (سایت پروژه, عکس از نگارنده)
۹۲	تصویر ۴-۴- دید از سایت, به بافت قدیمی شهر (عکس از نگارنده)



فصل اول

کلیات تحقیق

"حس تعلق" به مکان یکی از معانی مهم در ارتقاء کیفیت محیط های انسانی است. این حس که عامل مهم شکل گیری پایه های ارتباطی استفاده کنندگان و محیط می باشد نهایتاً منجر به ایجاد محیطهای با کیفیت نیز خواهد گردید. امروزه، ازدست رفتن مکان، حقیقتی است که نوعی سرگشتگی و بیگانگی را برای انسان به ارمغان آورده است. تقلیل سکونتگاه های انسانی به سرپناهی موقت و بدون معنا و بی ثمر، کارکرد راستینش - مأمّن و مأوا بودن - را از دست داده و منجر به ایجاد بیگانگی گشته که پیامدهایی چون ازدست رفتن حس تعلق و وابستگی را به همراه خواهد داشت. فقدان استنباط مثبت و هم ذات پنداری با مکانها از سوی استفاده کنندگان در عصر حاضر، رابطه ی عمیق احساسی کاربران با فضا را دچار اشکال کرده است؛ مردم تعلق خاطر ی به مکانهایی که برای آنها طراحی شده است ندارند و خاطرات جمعی از حضور در فضاها دچار اضمحلال شده است. سردی و دل مردگی نسبت به روابط اجتماعی و مکانها، طراحان و پژوهشگران را بر آن داشته است تا به دنبال شناخت تفاوت های معنایی بین خود و کاربران باشند تا بدین وسیله فاصله و شکاف بین طراح و استفاده کننده را به حداقل برسانند و بتوانند به خلق محیطهای با کیفیت دست یابند. بنابراین با توجه به شرایط موجود، نقش طراحی بعنوان ابزاری برای شکل دادن به محیط، شناخت و ارتقاء کیفیات محیط، در جهت پاسخگویی به توقعات و نیازهای انسانی اهمیت بیشتری می یابد. پژوهش حاضر، بابت بهره گیری از روش تحقیق توصیفی تحلیلی، در دستر مطالعات اسنادی و با رجوع به مدارک مکتوب و غیر مکتوب، مشتمل بر سه بخش کلی است؛ بخش اول، شامل کلیات تحقیق است، بخش دوم به تعاریف مکان، حس مکان، حس تعلق به مکان و عوامل به وجود آورنده آن می پردازد و در بخش سوم تحقیق نمونه های موردی مرتبط با موضوع تحقیق، بررسی شده و مطالب منتج از بررسی نمونه های مشابه ارائه گردیده است.

۱-۲- طرح مسأله

احساس تعلق به گروه، جامعه و مکانی خاص از جمله احساسات و نیازهای ضروری در زندگی اجتماعی انسانهاست. این حس سبب می‌گردد فرد گروه، جامعه و یا مکان را متعلق به خود دانسته و در جهت اعتلاء و توسعه ی آن بکوشد. داشتن حس تعلق، منجر به ایجاد حس داشتن سرنوشت مشترک می شود. الگوهای تعامل اجتماعی و قابلیت‌های محیط ساخته شده به این علت مهم هستند که میان تعامل اجتماعی و تعلق مردم به محیط‌های اجتماعی و ساخته شده رابطه ای تنگاتنگ وجود دارد. فضاهای مخصوص بازی، ورزش و امور فرهنگی هر کدام به نوعی بخشی از نیازهای افراد در گروه‌های مختلف را برآورده می سازد و ایجاد لذت می نماید، احساس لذت از یک فضا باعث ایجاد ارتباط مؤثر بین شخص و فضای می شود؛ مکانهایی که به لحاظ کالبدی و فرهنگی مهم به نظرمی رسند و دارای جنبه همگانی هستند در ارتقاء هویت شهر، جذب جمعیت و توسعه و تسهیل تعاملات اجتماعی مؤثرند. ایجاد مراکز فرهنگی تفریحی می تواند بخشی از کوشش‌های برنامه ریزی شده در جهت حفظ و تحکیم فرهنگ جامعه باشد. توسعه ی جوامع انسانی، تغییر نگرش انسان نسبت به خود و نظام هستی و بروز خلاقانه در فضاهای انسان ساخت، از علل عمده ی بحران مکان در عصر حاضر به شمار می رود. فقدان مکانهایی که القاء کننده ی احساس تعلق و هویت و به دنبال آن آرامش و لذت در ذهن مخاطب باشد و حس حضور و بودن در مکان را در وی زنده سازد، لزوم توجه طراحان و برنامه ریزان را در ارتقاء کیفیت محیط‌های انسانی و نقش مؤلفه های ادراکی در شکل دهی کیفی به فضاها را ضروری می نماید.

۱-۳- سؤال تحقیق

با توجه به نقش طراحی بعنوان ابزاری برای شکل دادن به محیط، و ایجاد و تقویت کیفیات محیط ساخته شده در جهت پاسخگویی به توقعات و نیازهای انسانی در سطوح مختلف و با عنایت به اینکه حس تعلق به مکان یکی از معانی مهم در ارتقاء کیفیت محیط‌های انسانی و شکل گیری پایه های ارتباطی انسان با مکان و انسان اجتماع است؛ بر این اساس، سؤال زیر در این تحقیق مطرح می باشد:

بدر نظر گرفتن چه پارامترهایی در طراحی، می توان در جهت خلق مکان با کیفیت و عمق بخشیدن به رابطه انسان بامکان و انسان با انسان ونهایتا ایجاد حس تعلق به مکان گام برداشت ؟

۱-۴- فرضیه تحقیق

بحران مکان که امروزه در قالب خلق مکانهایی فاقد ارتباطات مطلوب بین انسان بامکان وباسایرانسانها تبلور یافته است ،محصول نوع نگرش مدرنیسم به معماری وشهرسازی سده بیستم میلادی است که توجه آن به کمیت ارتباطات بیش از کیفیت آن معطوف بوده است. بحرانی که منجر به غفلت از پیوستگی احساسی وعاطفی بامکان ، خدشه دار شدن خاطرات جمعی از حضور در فضاها وسردی روابط اجتماعی وحضور در اماکن همگانی وانجام فعالیتهای جمعی شده است. لذا، لازمه "خلق مکان" ، توجه به ایجاد "حس تعلق" ووابستگی به آن وتوجه به نیاز اساسی انسان یعنی "تعلق اجتماعی" و تعامل با سایرین است. .

۱-۵- ضرورت تحقیق

ما ناگزیریم بامحیط زیستمان دوست باشیم تاردپای وجودی اش رابه دست آوریم.چنین دوستی ای براین امر دلالت دارد که معماری به عنوان چیزی بامعنا تجربه می شود.زمانی که چیزها فهمیده می شوند، به مانزدیک میشوند وبشر، هویت واصالتش رامی یابد(نوربرگ شولتز، ۱۹۹۲).

بحران مکان، از بارزترین مشکلات معماری وشهرسازی معاصر است ؛بحرانی که در ایجاد فضاهای فاقد هویت، فاقد تاریخ وفاقد ارتباطات مطلوب تبلور یافته است. معماری وشهرسازی سده ی بیستم بیش از آنکه معطوف به کیفیت ارتباطات باشد متوجه کمیت ارتباطات بوده از این روی پیوستگی احساسی وربطه عمیق بامکان مورد غفلت و فراموشی قرار گرفته است. کنت فرامپتون^۱ از جمله متخصصینی است که سالهای متعددی بخصوص از نیمه ی دوم سده ی بیستم مطالعات بیشماری رادر ارتباط با پدیدارشناسی

^۱.kennet frampton

مکان انجام داده است؛ او همگان را به نوعی از آنالیز سود و هزینه که همانقدر که به جنبه های کمی توجه میکند معطوف به جنبه های کیفی نیز باشد فرامیخواند و مقاومت کردن در مقابل بهینه سازی و حکومت ستمگرانه ی تکنیک و تلاش برای همراه کردن معنی و فرهنگ با مکان را راه حل نهایی در وضع موجود شهرها میدانند؛ از نظر او هیچ امیدی برای خلق مجدد مکان، بدون ایجاد "حس تعلق" و وابستگی به مکان وجود نخواهد داشت. معماران، طراحان و برنامه ریزان قادرند گردهم آمدن و اجتماعات انسانی را تجلی بخشند، به کیفیت و عمق بخشیدن به رابطه ی انسانها با خود، جامعه، طبیعت، محیط ساخته شده و.... کمک نمایند و راه و رسم جدید احساس تعلق به فضاها را عینیت بخشند؛ البته لازم است هریک از این تخصصها خود، دچار گردیسی و تحول شوند تا بتوانند نقش خاص خود را ایفا نمایند.

۱-۶- هدف تحقیق

مراکز فرهنگی تفریحی قادرند گردهم آمدن و اجتماعات انسانی را تجلی بخشند، بخشی از کوششهای برنامه ریزی شده در جهت حفظ و تحکیم فرهنگ جامعه را محقق سازند و به غنای ارتباط انسان با خود، جامعه، طبیعت و محیط ساخته شده کمک نمایند. متأسفانه معماری و شهرسازی امروزها تا حد زیادی فاقد چنین کانونهای فرهنگی اجتماعی سرزنده ای است. توجه صرف به بعد کمی ارتباطات، شهروندان امروز را دچار مسایلی از جمله گسیختگی در روابط اجتماعی، نداشتن تعلق خاطر به محیطها، اضمحلال خاطرات جمعی و سردی و دل‌مردگی در تعاملات اجتماعی و بهره مندی از فضاها کرده است. هدف نهایی این تحقیق به کارگیری نتایج حاصل از مطالعات در زمینه مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تأثیرگذار بر آن در طراحی مجموعه ی فرهنگی سینمایی در شهر همدان؛ به منظور خلق کانونی سرشار از پویایی احساسی، رفتاری، اجتماعی و فرهنگی است.

۱-۷- پیشینه تحقیق

تأپش از دهه ی هفتاد میلادی، در مطالعات انجام شده در زمینه ی رابطه ی انسان و مکان، تعلق و وابستگی به مکان مورد توجه قرار گرفته بود. در طی سی سال گذشته عواملی چون فضای شخصی، قلمرو پایی، تراکم، معنای مکان و موضوعات مرتبط، کانونهای توجه تحقیقات در رابطه با پیوند انسان و مکان بوده است. افزایش توجه به تأثیر فرهنگ و هویت بر ترجیحات مکان، علاقه ی روز افزون به نتایج اجتماعی مکان و... سبب گردید تا احساس انسان در رابطه با مکان، محور بسیاری از تحقیقات پژوهشگران گردد. مطالعات انجام شده در زمینه ی احساس تعلق، مقیاسهای مختلفی چون خانه، محله، شهر، کشور و مکانهای متفاوتی مانند محل کار، فضاهای آموزشی، فضاهای عمومی و تفریحی را شامل می شود به علاوه متخصصین حوزه های مختلف طراحی، روانشناسی، جامعه شناسی و ارتباط شناسی تحقیقات متعددی در این زمینه انجام داده و ابعاد محیطی، کالبدی و انسانی این ارتباط عمیق عاطفی را مورد بررسی قرار داده اند. گسست زمان و مکان و دگرگونی رابطه میان مکانها با هویت افراد، توجه نظریه پردازان مختلف را جلب کرده است. آپادوری و فیزرستون از "سرزمین زدایی" یاد میکنند و تامپستون^۲ محل زدایی "را از پیامدهای عمده جهانی شدن میدانند و گیدنز^۳ هم واژه "جابجایی" را به کار می برد که همگی در اصل، به متحول شدن رابطه میان مکان، فرهنگ، هویت و تعلق مکانی معطوف هستند. توآن^۴ در کتاب "فضا و مکان"، ضمن تبیین تفاوتهای معنایی فضا و مکان، بر این نکته تأکید میکند که فضاها، هستی خود را و امدار مکانها می باشند؛ رلف^۵ در کتاب "مکان و بی مکانی" مکان را ترکیبی از جا، منظر، آیین، مسیر، افراد دیگر و شناخت، ادراک، احساس و تجربه شخصی فرد از مکان میدانند و معتقد است در حالیکه مکان داری موجب احساس ریشه دار بودن و تعلق به محیط گشته و مجسم کننده خواست و اراده فرد است، بی مکانی دلالت بر فقدان معنی دارد؛ نوربرگ شولتز^۶ نیز در کتاب "هستی، فضا و معماری"، تعلق داشتن به مکان را به معنای برخوردار بودن از یک پایگاه وجودی میدانند.

۸-۱- روش تحقیق

^۲. Tomstvn

^۳. Geddens

^۴. Towan

^۵. Relph

^۶. Norberg Schulz

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعات اسنادی است که باتکیه بر منابع معتبر و مرتبط با تحقیقات انجام گرفته در زمینه ی حس تعلق به مکان صورت گرفته است. پژوهش حاضر شامل سه بخش است که در بخش اول تعاریف مطرح در این باره مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته اند. در گام بعد، نتایج تحقیقات صورت گرفته در این خصوص با هدف استخراج علل و عوامل مؤثر در شکل گیری حس تعلق به مکان طبقه بندی گردیده است و در گام آخر تلاش شده است نتایج حاصل از مراحل قبل در طرح نهایی تحقیق لحاظ گردد.



فصل دوم

پدیده مکان

مکان و رویدادها بیش از فضا و زمان معنی می دهند. فضا در تصور انسان، مکان؛ و زمان در تصور او، رویداد است. تمایزی که فن آیک^۷ (۱۹۹۲) میان مکان و فضا قایل شده است، تمایز زیبایی است. بنا به گفته او، هر چند معماران می توانند فضاهایی را به وجود آورند که محل وقوع فعالیتها و آیین ها باشند، تمایز فضا و مکان را به اندازه مردمی که فضا را با فعالیتهای خود زنده نگه می دارند و آن را به مکان تبدیل می کنند، انجام نداده اند. وقتی طراحان شرح یک مکان را از مردم می خواهند، زبان آنها از بیان پاسخ صریح قاصر است. این شاید به دلیل چگونگی فهم ضمنی و غیر صریح آنها از زبان فضاست. مردم عادت ندارند زبان را به کلمات ترجمه کنند به این دلیل بسیاری از مردم که ارتباط حرفه ای با معماری ندارند، می توانند درباره دوست داشتنها و دوست نداشتن های خود به طور کامل مطمئن باشند، ولی اینکه چه چیز این ترجیحات را پشتیبانی می کند، برای آنها مبهم است. در نتیجه، وقتی مردم برای بیان واضح این ترجیحات تحت فشار قرار می گیرند، به سبک ها یا دوره های تاریخی متوسل می شوند. گاه می توانند شمارا به مکان دیگری که دوست دارند جایی مشابه آن وجود داشته باشد، ارجاع دهند ولی نمی توانند آن را به صورت انتزاعی شرح دهند. می دانیم که برخی از فضاها برای رویدادی خاص کارایی کامل دارند، در حالی که برخی دیگر این گونه نیستند. اگر مردم شرح فضایی موفق را بدون ارجاع به فضایی که پیش از آن ساخته شده دشوار ببینند، می توانند با نگاه کردن درباره احتمال موفقیت فضاها قضاوت کنند. بنابراین فهم دو نکته دیگر ضروری است. اول، مردم چه ویژگی هایی از فضا را به طور مشترک برای قضاوت در مورد کیفیت کلی آن استفاده می کنند؟ به بیان دیگر، مردم براساس چه معیارهایی فضاها را ارزیابی می کنند؟ دوم، چگونه و به چه دلیل فضایی را براساس این معیارها و برای مکانی معین موفق ارزیابی می کنند؟ بدیهی است، پرسش از شمارزیادی از مردم درباره احساس آنها نسبت به یک فضای خاص، به سادگی امکان پذیر است. به ندرت از این گونه پرسش های ساده، اطلاعات مفیدی به دست می آید، ولی اگر پرسش ها دقیق تر طرح شوند، حتی ابزارهای ساده نیز ممکن است راهگشا باشد (لاوسون^۸، ۱۳۹۱: ۲۴۱).

^۷.Van eyck

^۸.Lawson

۲-۲- بخش اول : فضا در معماری

۲-۲-۱- فضا چیست ؟

فضا را خلایی در نظر می گیریم که می تواند شئی را در خود جای دهد و یا از چیزی آکنده شود. فضا چیزی نیست که تعریف دقیق و مشخصی داشته باشد ولی با این حال قابل اندازه گیری است چنانکه می گوئیم: ((هنوز فضای کافی موجود است)), ((این فضا پر است)); این اظهار نظرها با نظریه اولین متفکر اروپای باستان ارسطو، که در نوشته هایش در مورد فضا بحث کرده مطابقت دارد. ارسطو فضا را با ظرف قیاس می کند و آن را جایی خالی می داند که بایستی پیرامون آن بسته باشد تا بتواند وجود داشته باشد و در نتیجه همواره برای آن نهایی وجود دارد(دزایر، ۱۹۲۵: ۱۶۶).

جیوردانو برنو در قرن شانزدهم نظریه هایی در مقابل نظریه ارسطو عنوان کرد. او با استناد به نظریه کپرنیک بی نهایت را پایه اصلی فلسفه اش قرار داد. به عقیده او فضا از طریق آنچه در آن قرار دارد درک می شود و به فضای پیرامون یا فضای مابین تبدیل می گردد. فضا مجموعه ای است از روابط میان اشیاء و آنگونه که ارسطو بیان داشته است حتما نمی بایست که از همه سمت محصور باشد و بدین سان اجباری نیست که همواره نهایی داشته باشد(همان: ۳۸۷).

میان ناظر و فضا، همواره ارتباطی وجود دارد و یک نسبت نظم یافته این در را به یکدیگر مربوط می سازد فقط چیزی از پیش تعیین شده و ثابت نیست بلکه این موقعیت، مکانی مشخص است که فضا را تعریف می کند و بنا به نقطه دید وی به صور مختلف قابل ادراک می باشد(گروتروتر ۱۳۸۶: ۱۸۷). فضا در معماری، همان چیزی است که انسان را از عوامل طبیعی محافظت می کند و کلیه فعالیت های فردی و اجتماعی فرد را در بر می گیرد. انسان در فضا نیازهای مادی و معنوی خود را تأمین می کند. جوهر اصلی معماری فضا است و در فضای معماری انسان حرکت و زندگی می کند. فضا در معماری انواع گوناگون دارد و به طرق متنوعی می توان فضا را در معماری دسته بندی کرد. برنارد چومی معمار برجسته معاصر می گوید: « جوهر فضا بعد توصیفی فضا و موضوعی برای مباحث فلسفی، ریاضی و فیزیک است. فضا جوهر معماری و شهرسازی است(مدنی پور، ۱۹۹۶). "فضا در مفهوم موجود خویش به تنهایی هیچ ویژگی خاصی را مطرح نمی کند ولی به محض آن که یک گروه انسانی فعالیت را در مکانی مطرح کند، معنای نمادین فضا پدیدار می شود. از این پس فضا بستری برای بیان فعالیت و رفتارهای انسانی می گردد؛ محلی برای تخیل و واقعیت"(حبیبی، ۱۳۸۲).